







خداگونگی

نقش آفرینش در نقش ما







بنام کلمه الله

کاریکلماتور ، مخاطب‌های آگاه و اندیشمند دارد ، که آنها را وادار به تفکر می‌کند. کاریکلماتور ، در نگاه اول یک لفاظی ساده به نظر می‌رسد، ولی اثرات واقعی آن پس از کمی تفکر و شاید تعجب برای مخاطب آشکار می‌شود. کاریکلماتور ، زبان گویایی است که به نرمی و با زبان تصویری ذهن، افقی را فراروی فرد قرار می‌دهد، که بیش از آنکه با واقعیت های تلخ و شیرین همگام باشد، بر حقایق مسلم انطباق دارد.

ممکن است کمی اغراق‌آمیز و فزادنی باشد ، ولی دور از موضوع نیست. قابل ذکر آنکه ساده گی و پیچیده گی محتوی کلمات، بستگی مستقیم به عمق موضوع دارد. کاریکلماتور ، یکی از جلوه‌های زیبای ادب و هنر معاصر است .
مجموعه کاریکلماتور زیر در ستایش آفریدگار عالم نگاشته شده است.





۱. خداوند ، سند ریشه دار بودن ماست، در هستی.
۲. خداوند ، با آفرینش ما، به آفرینش موجودیت داد.
۳. خدایا، اولین کلمه ایست، که به زبان موجود، جاری می شود.
۴. وجود خداوند، متضمن موجودیت وجود است.
۵. عدم برای موجودیت، به وجود خداوند نیازمند است.
۶. خداوند، انرژی بودن را، به عشقِ شدن ایجاد می کند.
۷. خداوند ، چون می خواهد باشد، می شود.
۸. خداوند ، عقل مطلق است، که عشق مطلق می آفریند.
۹. عشق، از قطعات کوچکِ عقلِ مطلقِ خداوند تشکیل می شود.
۱۰. آدمی، مشق اراده خداست ، که خود، بر خود امر فرموده است.
۱۱. عشق، اولین و آخرین بهانه خلقت، از سوی پروردگار است.



۱۲. پروردگار، پرگار وجود را به مرکزیت عشق دَوْران می دهد.
۱۳. آفرینش، مشقِ عشق خداوند است ، به آفرینش.
۱۴. لااله الا الله، تمامی راه ها را به سوی خدا منتهی می کند.
۱۵. الله اکبر ، بلندترین ذکر توحیدی است.
۱۶. لااله الا الله، فرمول توحید را به واکنش بندگی منتهی می نماید.
۱۷. سبحان الله، اجزاء هستی را ، کُل می کند.
۱۸. الحمدلله، عاشقانه ترین ترانه بندگی است.
۱۹. اراده خداوند، همان انگیزه بندگان به تعبّد است.
۲۰. خداوند برای وجود، نیازی به موجود ندارد، و وجود برای موجود شدن، نیاز به خداوند دارد.
۲۱. قنوت، اوج بندگی خدا، و سجده عمق آن را نشانه می رود.
۲۲. خداوند قدیم است و وجود حادث، و حدوث به قدمت ، قیمت پیدا می کند.



۲۳. خداوند اول است و آخر، آنچه بین این دو حادث شده است، همه هستی است.

۲۴. همه هستی، قطره ای از دریای آفرینش است و مابقی برای ما عدم است و برای خداوند وجود.

۲۵. خداوند، احساس وجود را مایه آرامش تمامی موجودات قرارداده است.

۲۶. انقراض مادر عدم است و امتداد مادر وجود، و خداوند هستی بخش ممتد.

۲۷. خلقت لحظه ای متوقف نمی شود، و ما آن به آن آفریده می شویم تا وجود داشته باشیم.

۲۸. به امر خداوند هر چه موجود شود، تا ابد موجود است.

۲۹. خداوند با عطای وجود، وجوب وجود را به موجود، اثبات می کند.

۳۰. اگر تا ابد خلقت صورت پذیرد، ذره ای از ظرفیت خلقت کاسته نمی شود.

۳۱. از او بودن نیمه اول هستی، و بسوی او بودن نیمه دوم آن است.

۳۲. خود را در محضر خداوند دیدن، درس اوّل بندگی است.

۳۳. توحید یعنی آنکه به اراده خودت، اراده خداوند را انتخاب کنی.



۳۴. آنان که حضور خداوند را حسّ می کنند، خود نیز خالق توحید اند.

۳۵. پای خدا که به زندگی مان کشیده شود، دستان بسوی جز او دراز نمی شود.

۳۶. خداوند نگاه می کند، آنچه را اراده کرده است، که ما به اراده خود بر می گرینیم.

۳۷. توحید، سوغاتی این دنیا است ، برای آن دنیا.

۳۸. محبت، آدمی را دست آموز زندگی توحیدی می کند.

۳۹. آرامش، ترجمه خدایی زیستن، و هیجان تجربه هوایی بودن ماست.

۴۰. زندگی در بهترین شرایطش، حاصل تعبّد محض به خداوند است.

۴۱. کسی که به خدا اعتماد نکند، روی اعتماد به نفس را نخواهد دید.

۴۲. قبله ، قطب نمای دل آدم را به سوی خدا تنظیم می کند.

۴۳. زندگی، فقط آن زمانی در جریان است، که ما رو به قبله عمل می کنیم.

۴۴. انتخاب خدا از سوی بنده، انتخاب بنده است از سوی خدا.



۴۵. توحید، چشم بستن آنهایی است که با چشم باز آفرینش را می نگرند.

۴۶. خدا را که انتخاب کنی، تازه می فهمی خدا انتخابت کرده است.

۴۷. خداوند اجبار را از بنده برداشته است، تا بنده به اختیار، خود را مجبور به خدایی شدن نماید.

۴۸. ذوق پرستش، شوق بندگی را دو چندان می کند.

۴۹. آنان که خدا را به عشق می پرستند، عشق را به خدا منتهی می بینند.

۵۰. خدا در خلوت پیدا کردن، خود را در جلوت آراستن است.

۵۱. اشتیاق به پرستش، بالاترین امتیاز انسان است.

۵۲. تعبد، بدون و قید و شرط، خود را در اختیار خدا دیدن است.

۵۳. بندگی خداوند، جز به لطف خداوند، میسر نیست.

۵۴. در خلقت آنها که تسلیم ترند، پرستنده ترند.

۵۵. درمان آشفتگی بشر، آرامش در سایه پرستش الهی است.



۵۶. در جامعه ای که خدا امر می کند، انسان ها نهی نمی کنند.

۵۷. نگاه خداوند به بنده ، چون نگاه خورشید به نور ، بی منت است.

۵۸. آن چنان که نورافشانی از نور خورشید نمی کاهد، اعطای وجود از خداوند هیچ نمی کاهد.

۵۹. شهادت به یکتا پرستی، برتری انسان ها بر انسان هاست.

۶۰. خدا، کلمه ایست که در جمله زندگی، همیشه فاعل است.

۶۱. فعل پرستش، نه گذشته دارد، نه حال و نه آینده.

۶۲. ایمان به خداوند، گذر زمان را هدفمند می کند.

۶۳. در جامعه توحیدی، همه انسان ها آئینه خدا هستند.

۶۴. انسان های خداجو، همواره انسان هایی کمال جو هستند.

۶۵. کمال انسان، در دوام پرستش اوست.

۶۶. نگرش اهل توحید، همواره بر محور قلبی خاشع دَوْران دارد.



۶۷. قبله، هرروز پنج وعده انسان را به میهمانی توحید دعوت می کند.
۶۸. خداوند در نماز، شنونده سخنان ماست.
۶۹. لذت توحیدی زیستن، سینه اهل پرستش را در سرمستی ، مالا مال می کند.
۷۰. سبک زندگی توحیدی، سبکبارترین سبک زندگی بشر است.
۷۱. شهادت به وحدانیت الهی، شهادت انسان های آزاده است.
۷۲. قیمت هر جامعه ، به رسوخ توحید در باورهای آن جامعه است.
۷۳. هر قدر خداوند در زندگی ما رنگ دارد، آن قدر زندگی ما ننگ ندارد.
۷۴. خدایشگی، انطباق انسان بر محور فطرت است.
۷۵. در کوچه پس کوچه های اعتقاد، درب خانه خدا ، همواره بر آسمان باز می شود.
۷۶. انسان های خداجو، همواره تکیه گاه انسان های خودجو هستند.
۷۷. خود جویی که به خداجویی منتهی گردد، عین توحید است.



۷۸. حسّ زندگی، در دیدگان آنان که هر لحظه خلقتشان را درک می کنند، موج می زند.
۷۹. آنان که دار و ندار از شکرگذاری بازشان نمی دارد، خداگونه ترین مردمند.
۸۰. نقش بندگی، سخت ترین نقشی است که بر کلک جان آدمی شکل می گیرید.
۸۱. یکتاپرستی، تنها گزینه نسل تکنولوژی برای فرار از پوچ گرایی است.
۸۲. آنگاه که ولایت الهی، ولایت تکنولوژی را در هم کوید، نور الهی زندگی را روشن می کند.
۸۳. توحید، کوتاه ترین مسیر انسان را تا خود ترسیم می نماید.
۸۴. پذیرش خداوند، انسان را از مینتجات می دهد.
۸۵. خطای انسانهای خداجو، سکوی ترقی آنان می شود.
۸۶. زیباترین بینش انسان گرایانه را، تفکرات خدامدارانه دارند.
۸۷. توحید، نگرش آدمی را به خلقت، لطیف می کند.
۸۸. خدا را بر خود ناظر دیدن، زیباترین حسّ زندگی توحیدی است.



۸۹. توحید، متضمن سود و زیان ما نیست، متضمن، بود و نبود ماست.
۹۰. آنان که طعم پرستش را چشیده اند، مرگ را نیز چون زندگی شیرین می دانند.
۹۱. در نگرش توحیدی، شکست و پیروزی، هردو انسان را به خدا نزدیک می کند.
۹۲. در بینش خدایی، دنیا تصوّر دیروز است، برای ترسیم فردا.
۹۳. یک قطره شهد مناجات اهل بندگی، همه مکافات عالم را بی اثر می کند.
۹۴. رضایت بر خداوند، زاییده نطفه بندگی خداوند است.
۹۵. خداگونه گی، یعنی دنیا را فدای آخرت کنیم، نه آخرت را فدای دنیا.
۹۶. آرامش فرزند توحید است، که طوفان را هم رام می کند.
۹۷. آنان که آرامش ندارند، به خدا که توحید ندارند.
۹۸. توحید کشتی نجات است، که چون در دریای آن غرق هم شویم، غرق توحید می شویم.
۹۹. آنان که شخصیت رضا دارند، به خواست خداوند رضایت داده اند.



۱۰۰. در مدرسه زندگی همه مردودند، جز آنانی که زندگی را در رضایت خدا می دانند.
۱۰۱. همه عمر برای یک لحظه بندگی، یک لحظه بندگی همه عمر، این راز هستی است.
۱۰۲. فعل زندگی مصدری است، که بر مبنای اعتقاد به خداوند صرف می شود.
۱۰۳. با خدا بودن، چه بسا ضامن طول و عرض زندگی نباشد، ولی تضمین عمق زندگی هست.
۱۰۴. قیامت هر یک از ما، زمانی آغاز می شود که رضای خلق را بر رضای خدا ترجیح می دهیم.
۱۰۵. هوس بندگی، هوای با خدا بودن را در دل های مستعد، بارانی می کند.
۱۰۶. در جامعه ای که با خدا بودن ارزش است، نان را به نرخ عشق می خورند.
۱۰۷. خدا، کلمه ای است که در هر جمله ای واقع شود، فعلیه می شود.
۱۰۸. یکبار که با خدا بودن را تجربه کنی، هرگز نتوانی بی خدا بودن را تحمل کنی.
۱۰۹. آنان که خدا ندارند، نمی دانند چه ندارند.
۱۱۰. دلتنگی، شیرینی اش با خدا، ستودنی می شود.



۱۱۱. خدا و خلوت، زیباترین دست‌آورد زندگی انسان است.
۱۱۲. با خدا بودن، هدفمندی فردی را، ایدۀ‌آل اجتماع می کند.
۱۱۳. آنان که با خدایند، سفره خواسته هایشان، گمشده دیگران است.
۱۱۴. یک نفر انسان خدایی، یک نسل را خدایی می کند.
۱۱۵. منفعت، در خدایی نگرستن، باری اجتماعی دارد.
۱۱۶. در جامعهٔ خدامحور، افراد فردگرا نخواهند بود.
۱۱۷. لذت خداگونه بودن، بالاترین عزتی که به آدمی اعطا می گردد.
۱۱۸. به خدا قسم، که هیچ چیز جای خدا را برای انسان نمی گیرد.
۱۱۹. خداوند، نگرش انسان های خدا گونه را، سازنده و پویا می سازد.
۱۲۰. خدا گونگی، انسان را منعطف و جامعه را تغییر پذیر می سازد.
۱۲۱. سرنوشت جامعه ای که خدامحور نباشد، به خود محوری کشیده می شود.



۱۲۲. اولین آرزوی انسان خداجو، گسترش حسّ پرستش در جامعه خود است.

۱۲۳. جامعه خداخواه، افسانه ندارد، آرمان خواه است.

۱۲۴. خداوند، افق نگاه اهل توحید را همگرا می کند.

۱۲۵. غلبه منافع مشترک بر منافع فردی، از خواصّ جامعه توحیدی است.